

نگاهی به زندگی سیاسی «سعد مراغه ای»

۱۴ آبان ۱۳۹۶ ساعت ۲۱:۴۴

سعد مراغه ای یکی از رجال سیاسی ایران در دوره پهلوی دوم و از شناخته شده ترین افراد در دوره خود می باشد. وی توانست در چند دوره صاحب چندین پست سیاسی مهم گردد و گرایشات سیاسی خود را به واسطه آن مناصب تا حدودی عملی گرداند . . .

کافه تاریخ- مقاله تاریخی

سعد مراغه ای یکی از رجال سیاسی ایران در دوره پهلوی دوم و از شناخته شده ترین افراد در دوره خود می باشد. وی توانست در چند دوره صاحب چندین پست سیاسی مهم گردد و گرایشات سیاسی خود را به واسطه آن مناصب تا حدودی عملی گرداند. مهمترین سمت سیاسی سعد نخستوزیری در دو دوره حساس تاریخی بود که اتفاقات خاصی در کشور رخ داد. وی علاوه بر این سمت، در برخی مناصب سیاسی دیگر نیز به فعالیت پرداخت که تلاش میشود در این نوشته به شرح کوتاهی از این فعالیتها و نیز رویدادهای مهم زندگی وی پرداخته شود.

مختصری از زندگی سعد، از دوران کودکی تا جوانی

محمد سعد مراغه ای در سال ۱۲۶۰ ش در تفلیس به دنیا آمد. کودکی سعد در قفقاز و مراغه گذشت. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را نیز در این شهرها گذراند، سپس برای ادامه تحصیل به سن پترزبورگ یکی از شهرهای بزرگ روسیه، رفت. گذران زندگی و تحصیل در این شهر، بر گرایشات سیاسی سعد تأثیر خاصی داشت و باعث شد وی تا حدودی از نظر سیاسی متمایل به سیاستهای این کشور باشد. بعد از سن پترزبورگ، سوئیس دومین محل مورد انتخاب سعد برای تحصیلات بیشتر بود. سعد توانست در آنجا با چند زبان خارجی آشنا شود. بعد از اتمام تحصیلات و بازگشت از سوئیس، به استانبول رفت و به مدت دو سال در آنجا مشغول به کار گردید. «پس از آن با همان سمت به تفلیس رفت. در آنجا به او ارتقای مقام دادند و نایب اول ژنرال قنصل گری تفلیس شد. چندی هم کارگزار شهر «اردبیل» بود؛ ولی به زودی آن را رها کرد و به «قفقاز» بازگشت و این بار بعد از یک سال، مقام قنصل گری را از آن خود کرد.» ۱. سعد، تا سال ۱۳۱۱ در قفقاز و سفارت ایران در آنکارا کار میکرد، سپس در دوره فروغی توانست به حکمرانی ارومیه و ریاست اول سیاسی وزارت خارجه منصوب گردد. وزیر مختاری ایران در ایتالیا از دیگر

سمت‌های مراغه‌ای در دوره رضاشاه بود. مراغه‌ای در زمان یورش متفقین به ایران که به برکناری رضا شاه انجامید، وزیر مختار ایران در مسکو بود و سپس به وزیری امور خارجه رسید. ۲۰ اما مهمترین پست مراغه‌ای نخست وزیری ایران در دوره محمدرضاشاه بود که دو بار اتفاق افتاد. اولین بار در سال ۱۳۲۲ و دومین بار در سال ۱۳۲۷.

نخستوزیری ساعد مراغه‌ای در سال ۱۳۲۲

پس از برگزاری انتخابات چهاردهم مجلس شورای ملی، ساعد به عنوان نخست وزیر برگزیده شد. دوران اول نخست وزیری ساعد با اتفاقاتی همچون برکناری میلسپو، نفت شمال و امتیاز مربوط به آن همراه بود. دکتر میلسپو از جمله مستشاران آمریکایی بود که برای سروسامان دادن به وضعیت اقتصادی ایران، با اختیاراتی خاص و البته طبق توافقاتی قانونی به ایران آمده بود. اما در زمان میلسپو طرح برکناری وی در مجلس و نیز توسط روسیه مطرح میشود. در واقع «دکتر میلسپو نتوانست آنطور که باید در کار خود موفق شود و اعتماد ایرانیان را جلب نماید؛ زیرا وظیفه او در درجه اول تأمین خواربار و احتیاجات متفقین بود و بعد به مشکلات ایرانیان میپرداخت. از طرفی شورویها حاضر نشدند صلاحیت او را به رسمیت بشناسند.»^۳ با این حال «با توافق ساعد سه ماه مهلت به میلسپو داده شد.»^۴ هر چند سرانجام علیرغم مهلت قانونی داده شده، میلسپو کاری از پیش نبرد و در نهایت با تصمیم دولت برکنار شد.

موضوع امتیاز نفت شمال هم از طرف شوروی، به دنبال فاش شدن خبر پیشنهاد چند شرکت آمریکایی برای کشف و استخراج نفت ایران مطرح میگردد. «ساعد که با این درخواست شوروی به خود آمده بود، پاسخ داد که همه گفتگوهای مربوطه تا پایان جنگ به تعویق خواهد افتاد. او در همان زمان به بولارد میگوید که دلیل پاسخ مبهم این است که بلی گفتن صریح شورویها را به مداخله بیشتر تحریک میکند و خیر گفتن صریح نیز آنان را را ترغیب میکند که نهضت‌های جدایی طلبانه در کردستان و آذربایجان را تشویق کنند.»^۵ اما وی تا زمان نخست وزیری خود یعنی آبان ۱۳۲۳ در مقابل این خواست شوروی ایستادگی کرد و موضوع در زمان او مسکوت ماند.

دوره دوم نخست وزیری

ساعد مراغه‌ای در سال ۱۳۲۷ نیز برای بار دوم به عنوان نخستوزیر انتخاب گردید. این دوران هم دوباره با اتفاقات خاصی همراه بود. ترور ناموفق شاه، قرارداد گس- گلشائیان و به رسمیت شناختن اسرائیل از مهمترین رویدادهای این دوره محسوب میشوند.

ترور شاه به دنبال بازدید وی از دانشگاه تهران در بهمن ۱۳۲۷ اتفاق میافتد و دستاویزی می شود جهت بازنگری در قانون اساسی. بعد از این حادثه، حزب توده به عنوان عامل سوقصد معرفی و از فعالیتهای سیاسی منع گردید. همچنین شاه موفق شد با تشکیل مجلس سنا در اردیبهشت ماه ۱۳۲۸، اصل الحاقی قانون اساسی را به تصویب رساند که حاصل این فراهم آمدن امکان بازنگری در اصول قانونی اساسی بود. شاه از این طریق توانست اصل ۴۸ را مورد تجدید نظر قرار داده و طبق آن اختیاراتی

را کسب و بر قدرت استبدادی خود بیفزاید. علاوه بر این دولت ساعد هم که «اکثریت نمایندگان از آن حمایت میکردند، وعده داد که نیروهای مسلح را تقویت کند، حقوق ارتشیها را افزایش دهد و هر نوع تبلیغات مخمل نظم و قانون عمومی را ممنوع کند»^۶ در این دوره، امتیاز نفت گس- گلشائیان هم به صورت دو فوریت مطرح میگردد؛ اما با پایان مجلس پانزدهم مسکوت ماند و جهت تصویب به عهده مجلس شانزدهم و نخستوزیر بعدی سپرده میشود. با این حال کابینه ساعد در این دوره، تلاشهایی نیز برای به رسمیت شناختن دولت اسرائیل داشت که همین موضوع یکی از نقاط سیاه کارنامه سیاسی ساعد محسوب میشود. ویلیام شوکراس در کتاب خود فاش ساخته است که اسرائیل شناسایی خود را با پرداخت مبلغ ۴۰ هزار دلار به ساعد مراغهای به دست آورد.^۷ وی بعد از برگزاری انتخابات شانزدهم مجلس و افتتاح آن از مقام نخستوزیری استعفا داد. بعد از سقوط حکومت مصدق در دهه ۳۰، مدتی در سفارت ایران در واتیکان به فعالیت پرداخت و بعد از آن به ایران احضار و تا پایان عمر خود به عنوان سناتور در آذربایجان غربی انتخاب گردید.

فهرست منابع

۱. احمد عبدالله پور، نخست‌وزیران ایران، تهران، علمی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۷، و ر، ک: سعیده سلطانی مقدم، محمدساعد مراغهای، پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۹۳
۲. احمد کسروی و محمد امینی، زندگی و زمانه احمد کسروی: در برگزیده: زندگانی من، ده سال در عدلیه، چرا از عدلیه بیرون آمدم، بازبینی و ویرایش محمد امینی، ۱۳۹۵، از ص ۲۵۶
۳. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵، چاپ یازدهم، ص ۴۱۶
۴. سیدجلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۱، چاپ هفدهم، ص ۲۸۲
۵. یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴، چاپ یازدهم، ص ۲۵۹
۶. آبراهامیان، همان، ص ۳۰۸

۷. علیرضا ازغندی، روابط خارجی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷) تهران: نشر قومس، ۱۳۸۴، چاپ ششم، ص ۴۱۰

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۶۴۰۰/مراغه-ساعد-سیاسی-زندگی-نگاهی/>